

# حقیقت

شماره ۱۳۲۵ ۶ تیر ۱۳۶۰

در روزهای اخیر پاسداران، کمیته چپ ها و حزب الهی های خائن و بی شرف به تعدادی از زنان و دختران و حشیا نه تجاوز کرده و بعد آنها را کشته اند. اینست معنای ولایت فقیه و مقدساتی که خمینی نمیخواهد به آن توهین شود!

## اخبار چند روز اخیر

تهران

\* بتاريخ ۲۵ خرداد کمیته شهاب زجوبی بدست مردم طبع سلاح شد.

### درگیری در تسلیحات ارتش قسمت صنایع دفاع ملی

\* چهارشنبه ۶۰/۳/۲۲ - یکی از وعاظ وابسته به حزب جمهوری اسلامی به دعوت انجمن اسلامی صنایع دفاع ملی به این محل میآید. در ضمن سخنرانی سخنانی بر علیه بنی صدر ایراد میکند که مورد اعتراض شدید طرفداران بنی صدر قرار میگیرد. در این موقع کمیته مستقر در صنایع دفاع ملی که مسئولیت حفاظت محل را به عهده دارد به طرفداران بنی صدر حمله ور شده و شروع به تیراندازی میکند. و حدود بیست نفر از کارکنان شجاع تسلیحات را دستگیر میکند. البته خودشان بیشمارانه این تعداد را حاشا میکردند و اظهار

بقیه در صفحه ۳۴

## فساد در زمین

صفحه ۶

### اطلاعیه های

## دفتر ریاست جمهوری

صفحه ۷

### کارگران هوادار اتحادیه کمونیستها

### در شرکت واحد و کفش ملی کارگران را

### به مقاومت در مقابل کودتا دعوت کردند

صفحه ۸

## پیام به

## سربازان، همافران

## در جبهه داران

## و افسران

## آزاد بخواه و میهن پرست

ای سرباز و درجسه دار شریف! ای کسی که ۹ ماه تمام است در سنگرهای خونین جنوب و غرب کشور جنگیده ای و خون داده ای تا متجاوزین بعثی و اربابان ابرقدرش را از خاک عزیز میهن برانی، ای کسی که بخاطر آزادی و استقلال میهن نبرد کرده ای! آیا اینهمه فداکاری و ایثار تو برای این بود که مثنی بدنها دست و تشنه قدرت، مثنی مال پرست و خائن مجلس و دولت و دیوان قضا بی را قبضه کنند و با جان و مال ملت به بازی مشغول گردند؟ آیا نمی بینید که چگونه شرافت و انسانیت را در خبا بانه ها و کوچه ها، در زندانها و شکنجه گاهها به دم تیغ سپرده اند؟ آیا نمی بینید که بنام اسلام چه فجایعی در این خاک بلا زده مرتکب میشوند، بنام مبارزه " فدا میریالیستی" چگونه شرافت و دسترنج مردم ما را به تاراج آمریکایی ها و انگلیسی ها و زابنیها و روسیها می دهند؟ آیا برای این به صفوف ملت پیوستید که دوباره همان بساط آریا مهری در

بقیه در صفحه ۲

ای سرباز و درجسه دار شریف! ای کسی که ۹ ماه تمام است در سنگرهای خونین جنوب و غرب کشور جنگیده ای و خون داده ای تا متجاوزین بعثی و اربابان ابرقدرش را از خاک عزیز میهن برانی، ای کسی که بخاطر آزادی و استقلال میهن نبرد کرده ای! آیا اینهمه فداکاری و ایثار تو برای این بود که مثنی بدنها دست و تشنه قدرت، مثنی مال پرست و خائن مجلس و دولت و دیوان قضا بی را قبضه کنند و با جان و مال ملت به بازی مشغول گردند؟ آیا نمی بینید که چگونه شرافت و انسانیت را در خبا بانه ها و کوچه ها، در زندانها و شکنجه گاهها به دم تیغ سپرده اند؟ آیا نمی بینید که بنام اسلام چه فجایعی در این خاک بلا زده مرتکب میشوند، بنام مبارزه " فدا میریالیستی" چگونه شرافت و دسترنج مردم ما را به تاراج آمریکایی ها و انگلیسی ها و زابنیها و روسیها می دهند؟ آیا برای این به صفوف ملت پیوستید که دوباره همان بساط آریا مهری در

ای همافران قهرمان! ای کسانی که در روزهای آتش و خون انقلاب بهمن، آن چنان

پیام به . . .

بقیه از صفحه اول

جامعه پهن گردد، اما اینبار به نام اسلام و مسلمانی؟ نه و صد بار نه!

ای افسران میهن پرست و آزادیخواه! ای کسانی که در دل میهن و در سرهوی آزادی دارید! مگر نمی بینید بر سر این ملت چه نمی آورند؟ مگر نمی بینید که چگونه زندانستان در بند راه جرم های واهی، و در حقیقت بجرم آزادیخواهی و استقلال طلبی دسته دسته به میدان شرمی برند؟ مگر نمی بینید که عده ای اوباش و اراذل را بنام "حزب خدا" در خیابانها راه کرده اند تا هر غلطی که دلشان میخواهد انجام دهند؛ چادر از سرخواهران ما بکشند و بدنها را بدترین توهینها را روا دارند، جوانان ما را به دم تیغ ببرند و بر علیه شخصیتهای مبارز دسته راه بیندازند؟ آیا شما برای این جنگیهای ایدتاریک ۱۷۷ خائن در مجلس رای به عزل رئیس جمهور میدهند، تا شورای سلطنت حزبی تشکیل گردد، تا دادستانی ضد انقلاب جوانان این مرز و بوم را بدون محاکمه اعدام کند، مثنی خائن و رذل در خیابانها راه بیفتند و به نام موس و شرافت مردم تجا و زکندند؟ نه و صد بار نه!

ای ارتشیان شریف و آزادیخواه و استقلال طلب! به شما میگویند دنیا بدر سیاست دخالت کنید! به شما میگویند دنیا بدر سیاست مداخله کنید در عراق تجا و زگر را پیشه

ای ارتشیان شریف و آزادیخواه و استقلال طلب! به شما میگویند دنیا بدر سیاست دخالت کنید! به شما میگویند دنیا بدر سیاست مداخله کنید در عراق تجا و زگر را پیشه

ساخته اند و بقول آقای بنی - صدر، با هیئت کنفرانس طاشف به توافقات خود رسیده اند و بخشی از خاک ایران را به عراق بخشیده اند. به شما میگویند دنیا بدر سیاست مداخله کنید در حالیکه خود سیاست قبضه کامل و انحصاری قدرت را به پیش برده اند و ناچاران مردان نه رئیس جمهور مملکت را معزول ساخته اند، به شما میگویند دنیا بدر سیاست مداخله کنید در حالیکه خود سیاست خیانت ملی را در پیش گرفته اند، چا سومان آمریکا - شی را با میلیاردها دلار از ثروت مردم به آمریکا بخشیده - اند، با انگلیسی ها قرارداد تالیوت و با آلمانی ها قرارداد کروپ و... را منعقد ساخته اند، به شما میگویند دنیا بدر سیاست مداخله کنید در حالیکه خود سیاست قتل و کشتار در خیابانها و حبس و شکنجه و اعدام در زندانها را برگزیده اند، به شما میگویند دنیا بدر سیاست مداخله کنید در حالیکه شما سیاست کثرت را در آمریکا شی ها و سیاست کثرت را در آلمان با کودتا چیان حزبی را پیشه خود ساخته اند، به شما میگویند دنیا بدر سیاست مداخله کنید در حالیکه رئیس بدنهاد مجلس حزبی و نمایندگان مرتجع اکثریت، نگاد شهر بانی را بخاطر اینکه در روز ۳ خرداد و خشکری نکردید با شما تفت گرفته اند، به شما میگویند دنیا بدر سیاست مداخله کنید در حالیکه خود سیاست منازله با نوکران ابر قدرت شوروی - حزب توده و اکثریتی های خائن - را انتخاب کرده اند، در حقیقت این کودتاگران پلیدی به شما میگویند در سیاست خیانت ملی، استبدادی و قتل و کشتار آنها شریک شوید. این سنگ را نهد برید! به ملت خود پشت نکنید! بلکه به صفوف ملت بییوندد و با مردم خودتان در راه آزادی و استقلال

ای افسران میهن پرست و آزادیخواه! ای کسانی که در دل میهن و در سرهوی آزادی دارید! مگر نمی بینید بر سر این ملت چه نمی آورند؟ مگر نمی بینید که چگونه زندانستان در بند راه جرم های واهی، و در حقیقت بجرم آزادیخواهی و استقلال طلبی دسته دسته به میدان شرمی برند؟ مگر نمی بینید که عده ای اوباش و اراذل را بنام "حزب خدا" در خیابانها راه کرده اند تا هر غلطی که دلشان میخواهد انجام دهند؛ چادر از سرخواهران ما بکشند و بدنها را بدترین توهینها را روا دارند، جوانان ما را به دم تیغ ببرند و بر علیه شخصیتهای مبارز دسته راه بیندازند؟ آیا شما برای این جنگیهای ایدتاریک ۱۷۷ خائن در مجلس رای به عزل رئیس جمهور میدهند، تا شورای سلطنت حزبی تشکیل گردد، تا دادستانی ضد انقلاب جوانان این مرز و بوم را بدون محاکمه اعدام کند، مثنی خائن و رذل در خیابانها راه بیفتند و به نام موس و شرافت مردم تجا و زکندند؟ نه و صد بار نه!

ای ارتشیان شریف و آزادیخواه و استقلال طلب! به شما میگویند دنیا بدر سیاست دخالت کنید! به شما میگویند دنیا بدر سیاست مداخله کنید در عراق تجا و زگر را پیشه

ای ارتشیان شریف و آزادیخواه و استقلال طلب! به شما میگویند دنیا بدر سیاست دخالت کنید! به شما میگویند دنیا بدر سیاست مداخله کنید در عراق تجا و زگر را پیشه

بیاد شهید خلق سعید سلطانپور

این بیگانه خون نشسته  
این هودج مشک  
این راوی دلاوری خلق  
بر دوستان، یاران!  
چون پرچم ظفر  
ایستاده باد!

این مرد  
این نبیره، با یک  
این همتشین گود نشینان گرسنه  
این راوی غمان بزرگ خلق  
فرزند رنج و کاسار و سارت بود.  
آهای "سعید"!  
ای شیربندهای قزل قلعه و اوین  
ای زنده باد!  
قتل تو ظهیر خون گرفته، این اشقیای حاکم را  
با تیره شامی تاریکتر قلب سیه شان  
همسترخواهد کرد.

آهای "سعید"!  
آنگاه که این قوادان  
این سفلیگان هرزه  
این شیادان  
این طاغیان مانده زپس ضحاک  
در حال با بیبوسی آن شاهان بدند،  
آنگاه که این دیوانگان عقده ای قرن  
بر شاهان - آن شاهان - "سیاس" همی خواندند  
تو در تمام طول آن شب تاریک  
گرمای بخش سنگرزندان بودی

آهای "سعید"!  
همرزمان لیا ن گذشته!  
خون توتن به خون "صمد" زد  
نام تو با حمله "خسرو" درآ میخت  
و خون پاک شما یاران  
ساطور هردو شاه را به یکجا آویخت

این هودج مشک، یاران!  
خورشید فتح مردم را با خود دارد  
و این بیگانه خون نشسته،  
هر گلز خوش،  
مدنصره، "انالحق" در خود دارد  
این زنده یاد، همسنگر قدیمی  
نقش شکوهمندش  
بر دوستان، یاران!  
چون پرچم ظفر  
ایستاده باد!

۲ شیره ۶ "گاوه"

شرافت و حریت، سربلندی و افتخار رگام بردارید!  
ای سربازان، درجه - داران، همافران، افسران آزادیخواه! حکام آزادی را مثل کرده اند، استقلال کشور را در معرض نابودی قرار داده اند، استبداد را برجا معه مستولی نموده اند، خیانت ملی را پیشه ساخته اند، ملت این سنگ را نهد بریده و بسه مبارزه بلند شده است. روزهای خونین و تاریخی در پیش روی این ملت بزرگ و سرفراز قرار

\*\*\*

# اخبار

بقیه از صفحه اول

میکردند که پنج نفر را با زداشت کرده اند. اینک محیط اداره به صورتی شده که تعدادی از کارکنان صنایع دفاع ملی از ترس دستگیر شدن به محل کار خود نمیروند. البته اکثر کارکنان غیور آنجا متفقا تصمیم به بست نشینی (تحصن) جهت تامین جانی خود گرفته اند. پیروز با دمبارزات توده های مردم علیه استبداد و فحشان.

## حمله به بیمارستان آبادانا جهت ربودن زخمیها

شنبه ۶۰/۳/۳۵ - پاسداران در شب حادثه ضمن یورش وحشیانه به بیمارستان آبادانا جهت ربودن زخمیهای حوادث شنبه تمام طبقات بیمارستان را جستجو میکردند و از بردن زخمیها به اطاق عمل جهت بستن بخیه و معالجه ایشان جلوگیری نمودند و همچنین آنها را که از اطاق عمل و یا پانسمان شده بیرون میامدند مورد تهاجم وحشیانه قرار میدادند. در یک اطاق اضطرار (اورژانس) خانم پرستاری که در حال بستن زخم یکی از زخمیها بود، مورد یورش پاسداران قرار گرفت. پرستیار مذکور به این عمل اعتراض میکند. پاسداران به پرستار حمله کرده و دست او را هم می شکنند. آنان مریضها را در همان حالت اضطراری از بیمارستان به زندان منتقل میکردند. البته این عمل تا ساعت ۸/۳۰ شب ادامه داشت. بعد از این پاسداران مزدور به این یورش سبعانه اکتفا نکرده و پانسمان تیرباران در اطراف و بالای بیمارستان جهت رعب و وحشت کارکنان بیمارستان و بیماران تا یک ساعت اطراف بیمارستان و به روی پیاده روها به تیراندازی مبادرت ورزیدند. در ضمن یکی از پزشکان کشیک بیمارستان را هم با زداشت کرده و به کمیته بردند. پاسداران مزدور به دکترها میگفتند شما چرا اینها را بخیه و معالجه نمیکنید. مرگ بر این زرخریدان پست فطرت ارتجاع!

## برخورد ماموران کمیته به دختران و زنان بازداشتی

شنبه ۶۰/۳/۳۵ - یکی از مردم عادی که از خیابان مصدق میگذشت توسط کمیته چی ها دستگیر و به اتفاق تعداد دیگری از خانمها سوار وانت با رکرده و به کمیته منطقه ۹ میبرند، در آنجا تعداد زیادی دختر دستگیر کرده بودند. آنها را در زیرزمین کمیته انداخته و سپس چند نفر از کمیته چی ها بشدت دختران و زنان را کتک زده و مضروب کردند. این کمیته چی ها مشخما آدمهای بی اداری بیماری روانی بودند، و برای همین ضمن مضروب کردن به اعمال بیشرمانه ای دست میزدند. البته کمیته چی ها و پاس - داریها و مزدوران میان دختران و زنانی که در تظاهرات علیه حزب شرکت داشتند، آنها را که حلقه دستشان بوده از بقیه خانمها تفکیک کرده و به آنها تهاجم میکردند. همینطور پاسداران مزدوری شرف هفته قبل پنج دختر هوادا را مجاهدین را به بیابانهای فرحزاد برده و به آنان تهاجم کرده اند. موقع نقل و انتقال دختران از خیابان به محل کمیته بسیار اتفاق افتاده

که در همان حالت این بیشرمانه به آنها تهاجم و زجر کرده و همچنین به آنها را مضروب کرده و یا کشته اند. در تظاهرات اخیر مزدوران حزب الهی به دو دختر هوادا رگروه های سیاسی در حوالی میدان امام حسین به تهاجم حاسی آنها بشدت ضربه زده و این دو همسایه هم اکنون در شرف مرگ قرار دارند. مرگ بر او با شان کمیته چی و پاسدار بیشر و اربابان خائن داخلی و خارجی شان!

شنبه ۶۰/۳/۳۵ - خیابان حکیم نظامی نزدیکی های ظهر یکی از هواداران سازمان پیکار در سر چهار راه مشغول فروش نشریه های سازمان پیکار بود، که یک عده حزب الهی که در حضور سیالی چهل نفر بودند و بعد عده زیادی با شعار حزب الله پیروز است به آنها ملحق شده و بسوی آن فرود رفتند و شروع به کتک زدن وی کردند. بعد از اینکه وی را کتک زیادی زدند یکی از آنها با چاقوی موکت ببری شکم وی را پار کرد و بعد گفتند با پاد و رابسه سپاه ببریم و دیگران میگفتند با پدمرده اش را به سپاه ببریم و او در حالی که میگفت من دارم می میرم مرا اول به بیمارستان ببرید، آنها او را با زور سوار ماشین کرده و به طرف سپاه بردند. تاکنون شاهدان عینی تخمین زده اند که روزه ۳۰ خرداد حدود ۷۰ نفر در میدان فردوسی بشهادت رسیدند. همچنین در همین روز حدود ۵۵ تا ۱۰۰ نفر در خیابان های سمیه، بهار و جلوی سفارت (لانه جاسوسی) شهید شدند.

## کرج

در محله دهقان ویلا (کرج) به هرتفره ۵۰ تومان و وسایل رفت و آمد برای شرکت در برنامهای رجاله گری و سرکوب حزب حاکم میدهند.

## اصفهان

حوالی ساعت ۶/۵ بعد از ظهر روز شنبه ۶۰/۳/۲۶ یکی از حزب الهی ها به ۳ جوان که مشغول بخش اعلامیه های بنی صدر بودند حمله میکند و اعلامیه هایشان را پارا می کند. این فرد مزدور بعد از این عمل سنگ آ ورمورد ضرب و شتم قرار میگیرد و به مغازه ای پناه میبرد. اما مردم خشمگین دست بردار نبودند و میخواستند که این مزدور استبداد را به درک بفرستند. اما این حزب الهی توسط مغازه دار فراری داده میشود.

در تاریخ ۶۰/۳/۲۶ در نصرآباد (اصفهان) جماعتی از حزب الهی (حدوداً ۲۵ نفر) تظاهراتی برضد بنی صدر ترتیب میدهند که با پرتاب سنگ از پشت بامها از طرف مردم محل متواری میشوند. در نتیجه این عکس العمل مردم جماعتی از در صندل چاره جوئی برآمده، به این جهت شب روز شنبه ۳/۳۰ جلسه بحثی با طرفداران بنی صدر در مسجد نماز با دیرگزار میکنند. به محض ورود مخالفین به مسجد، چندین نفر آنها به وسیله پاسداران مسلحی که قبلاً به مسجد آمده بودند دستگیر و سپس بوسیله پاسداران به خانه های شنا سائی شده حمله کرده و مجموعاً ۲۴ نفر را دستگیر کرده و به سپاه پاسداران رهان منتقل میکنند.

در شب ۶۰/۳/۲۸ پاسداران استبداد و نفر از جنگ زدگان ساکن شاهین شهر اصفهان را به "جرم" بخش اعلامیه دستگیر میکنند. این مرتجعین دصفت این دو مبارز را با چاقو مورد ضرب و جرح شدید قرار میدهند.

۳۰ خرداد، قرار بود ساعت ۹ صبح از سه نقطه شهر اصفهان (میدان انقلاب - چهارراه تختی - میدان امامت) هواداران بنی صدر مجاهدین و بقیه در صفحه ۴

# اخبار

بقیه از صفحه ۳

آیت الله غروی راهپیمائی کنند و در دروازه دولت تجمع کنند. این راهپیمائی در چند نقطه به زد و خورد شدید کشیده شد ( دروازه دولت و اول آمادگاه و ... ) زد و خورد به این ترتیب بود که افراد حزب الله بشدت به تجمع کنندگان حمله میکنند، که با چوب و سنگ و چاقو و تیراندازی همراه بوده است. زد و خورد ها حتی به کوجه های اطراف کشیده میشود. ضرب و جرح بسیار زیاد بود و محنه هایی را مشاهده کردیم که موبردن انسان راست میشود. توده های ها و اکثریتی های خاشن در این حملات بسیار فعال بوده اند. در این جریان یکی از پاسداران بنام محسن هاشمی که دو تن از هواداران مجاهدین را کشته بود، بدست مردم کشته شد. از هواداران مجاهدین چهار نفر شهید شده اند و البته تعداد بسیار بسیار زیادی زخمی و دستگیر.

پیش از ظهر روز دوشنبه ۶۰/۳/۳۱ یک دسته از جما قدراران و حزبی ها و پاسداران که جنازه پاسدار کشته شده روز قبیل را حمل میکردند ( در حدود ۱۵۰ الی ۲۰۰ نفر ) هنگامیکه به میدان انقلاب رسید، ناگهان بسمت سینما ساحل ( واقع در میدان ) یورش آورده و به ضرب و شتم مردم پرداختند که در این رابطه یکنفر را در حالیکه با قنداق از ۳ میزدند در یک وانست انداخته و به مرکز سپاه بردند.

بنیاد شهید که واردات و توزیع موتورهای هوندا ۱۲۵ را در انحصار خود دارد اخیرا تعداد زیادی از این موتورها را در اختیار افراد بسیج قرار داده است. جما قدراران با استفاده از این موتورها به صفوف تظاهرات راهپیمائی ها حمله میکنند. ضمنا موارد استفاده دیگر از این موتورها در زمینه ارتباطات و ... میباشد.

## کرمان

شنبه ۶۰/۳/۳۰ - در این روز یک تظاهرات موضعی توسط گروهی از مردم کرمان در بازار شهر انجام شد. این تظاهرات که از بازار شروع شده بود بطرف میدان ارک ادا مہ پیدا کرد. در طول راهپیمائی بتدریج جمعیت اضافه تر میشد. شعارهای این تظاهرات عبارت بودند از: " درود بر بنی صدر "، " مرگ بر پهلوی "، " حزب جما قیدستان با پیدیره گورستان " و ... صف تظا هر کنندگان بعد از رسیدن به میدان ارک دوباره به طرف بازار برگشت. مردمی که در کنار ایستاده بودند راهپیمایان را تشویق میکردند. هنگامیکه صف تظا هر کنندگان ( ساعت ۶/۲۰ بعد از ظهر ) به میدان گنجعلی خان رسید و با ش جما قدرابه همراهی پاسداران سر رسیدند و به صف مردم حمله ور شدند و عده ای را مضر و دستگیر کردند.

## آمل

پنجشنبه ۲۸ خرداد - صبح این روز جما قدراران و پاسداران وحشیا نه به محله چاکر حمله برده و درگیری از ساعت ۱۰/۵ تا بعد از ظهر ادامه داشت و از طرف سپاه تیراندازی و گساز اشک آور پرتاب میشد. یک کوکتل نیز جوانان تظا هر کنندنده

بطرف سپاه و جما قدراران پرتاب کردند. در صبح این روز درگیری های پراکنده و موضعی در بعضی محلات دیگر صورت گرفت. در غروب این روز حدود ۳۰۰ نفر از جوانان در محله چاکر تظاهراتی انجام دادند. بعد از پایان تظاهرات تعداد پاسداری پاسدار این محله را محاصره کرده و وحشیا نه به سرکوب و پیگرد و تیراندازی پرداختند و در محله حکومت نظامی برقرار کردند. در این محله حدود ۴ نفر با گلوله زخمی شدند و دهها تن دیگر زخمی و یا دستگیر شدند.

جمعه ۲۹ خرداد - ساعت ۱۱/۵ صبح در فلکه ۱۷ شهر پیور یکنفر که مشغول پخش اعلامیه مجاهدین بود توسط پاسداری با گلوله کلت زخمی شد.

شرکت کنندگان جلسه امتحان حوزه دبیرستان خمینی بعد از تمام جلسه با شعار مرگ بر پهلوی به تظاهرات پرداختند. در غروب این روز نیز در محلات چاکر و راون محله و ... درگیری های محدودی با سپاه پاسداران و جما قدراران صورت گرفت که چندین نفر زخمی و تعداد زیادی دستگیر شدند.

شنبه ۳۰ خرداد - صبح این روز در ساعت ۹/۳۰ سپاه پاسداران وحشیا نه به محله چاکر حمله کرده و بیشرمانه جوانانی را که در این محله بودند به رگبار گلوله بست. یکنفر را که از پشت گلوله زده بودند پاسداران دستگیر کرده و چون وی شعار میداد چندین بار سر روی را داخل آب فرو کرده بعد از تلاف وقت زیادی وی را به بیمارستان بردند. یکنفر دیگر نیز با گلوله زخمی شد و چندین نفر دستگیر شدند.

جما قدراران و پاسداران در این روز شهر اقرق کرده و هواداران نیروهای انقلابی را در شهر مورد ضرب و شتم و دستگیری قرار میدادند. پاسداران با ماشین در شهر گشت میزدند و در شهر تقریبا حکومت نظامی برقرار است.

در غروب این روز در راون محله درگیری صورت گرفت و منجر به دستگیری تعداد زیادی گشت. ساعت ۱۱/۵ شب ماشین رئیس انجمن شهر سابق در دوران شاه را منفر کردند. اینکار توسط خود حزبها صورت گرفت تا اوضاع را مغشوش کنند و بیشرمانه به سرکوب مسلحانه گروهها بپردازند.

یکشنبه ۳۱ خرداد - صبح این روز شهر توسط حزب اللهی ها و پاسداران قرق شده بود. در گوشه و کنار شهر سپاه تیراندازی میکرد. ظهرا این روز جوانان محله رضوانیه شروع به پاک کردن شعارهای حزب اللهی ها کردند. که بعد از پراکنده شدن آنها جما قدراران به همراه سپاه به محله حمله کرده و پوسترها و غیره را کتندند. بعد از ظهر همین روز در محله چاکر درگیری مسلحانه روی داد. مردم آمل از حکومت ستم و خفقان و جنایت حزبی ها بشتنگ آمده اند و چشم براه قیام همگانی هستند.

## شیراز

روز ۲۵ خرداد -

در خیابان زند یکنفر به ضرب کارد جما قدراران حزب اللهی کشته میشود. این مرد که از اهالی اردکان بود از جمله افرادی است که مواد غذایی به جنبه های جنگ میبرد. در موقع به خاک سپردن او، صف تشییع کنندنده شعار مرگ بر پهلوی، مرگ بر جاشی میدادند که مزدوران حزبی به آنها حمله میکنند. اردکانی ها هم جنازه را زمین

بقیه در صفحه ۵

## اخبار...

بقیه از صفحه ۴

میگذارد و جایی از پس این ارادل و او باش بر میآیند.

روز تولد امام زمان، در سرستان، آذین بندی مفصل از طرف اهالی یک محله صورت میگردد و عکس بسیار بزرگی از بنی صدر را بر بالای آذین بندی نصب میکنند. پاسداران به محصل آمده و میگویند چرا عکس ایام نیست و بیالا میروند عکس بنی صدر را پاشین آورده و چندان عکس خمینی را نصب میکنند که با رفتن آنها مردم عکسها را پاشین میکنند و مجددا عکس بنی صدر را بالا میبرند. پس از آن بین مردم و پاسداران درگیری بوجود میآید و چند نفر دستگیر میشوند.

در کارخانه برجیستون بتاريخ ۲۵ خرداد شعایر هسای "برادران کارگر، انقلاب انقلاب در خطر است بر علیه کودتای دست راستی حزب بها خیزید"، "بنی صدر، مقاومت مقاومت" "مرگ بر بهشتی، مرگ برای این حزب مردم فریب" به دیوارها نشانی که توسط انجمن اسلامی بتازگی تمیز شده بود تا خود شمسان شعاری بنویسند، نوشته میشود و بشدت مورد استقبال کارگران قرار میگیرد. در ضمن در بیشتر قسمتهای کارخانه عکسهای خمینی را پاره کرده اند. این جزای کسانی است که به ملت خیانت می کنند و حتی اگر تا دیروز بر چشم مردم جا داشتند، امروز به زیر پای مردم لگدکوب میشوند.

بکنفرسیجی که تازه از جبهه برگشته بود و این همه خیانت و جنایت حزب حاکم و هم دستانش را دیده بود، عده ای را دور خود جمع کرده و میگفت ما در جبهه ها یعنی هارا میکشیم اما اینها اینجا خواهان و برادران ما را به گلوله می بندند. قسم میخورم که به جبهه بروم و قضیه را برای همه بگویم و حداقل ۱۵ الی ۱۶ نفر از دوستان خود را از جبهه ها بیاورم.

در کارخانه نجاجی شیراز در جریان میانه های بین کارگران و یک توده ای، از توده ای می پرسند اوضاع را چگونه می بینی؟ او میگوید: "تکامل انقلاب و مبارزه علیه آمریکا". از او می پرسند: "مگر بنی صدر آمریکائی است؟" او میگوید: "بله". کارگران هم به او مهلت نمی دهند و با فحش و هرا آنچه که لایقش بود از او پذیرائی میکنند.

از روز ۲۱ خرداد که تظاهراتها و درگیری های خیابانی در تمام شهرهای ایران به مخالفت با کودتای دست راستی حزب بالا گرفته شیراز هم شاهد تظاهراتها و مخالفت های توده ای بسیار بوده است. اکثر بعد از ظهرها در پنج الی شش نقطه شهر کعبه بصورت (۱) خیابانها و میادین اصلی شهر را در بر میگیرد، محل تجمع و ابراز مخالفت مردم و گروه های انقلابی گردیده. یکی از نقاط اصلی که تا بحال شاهد درگیری های خونین بین مردم و نیروهای سرکوبگر حزب جمهوری بوده، دروازه سمسدی است. روز شنبه ۳۰ خرداد، این مکان شاهد یکی از خونین ترین مبارزات توده ای روزهای اخیر بوده است. در این روز که با مقابله با روزهای قبل بوده، زیاده تری برای مقابله با مستبدین و جانبان جدید جمع شده بود، ابتدا تظاهراتی به طرف سرداری از بنی صدر و مخالفت با حزب جمهوری اسلامی و با شرکت نزدیک به ۲۰۰۰ نفر به راه می افتد. عده ای حزب الهی که خود را در صفوف

تظاهرات مخفی ساخته بودند، با پیدا شدن سروکله آنها هیسان و ۲ بدست ناگهان شعایر مرگ بر بنی صدر را سر میدهند و با کارد، دجا رتنج شده پراکنده میشود. او با شان حزب الهی با کارد، قه و سا طور به جان مردم می افتند و مردم هم متقابلا به دفاع بر میخیزند. در این میان یکی از همین او با شان با کارد موکت بری رگ گردن نوجوان ۱۵ ساله ای را میزند که جوان به زمین می افتد و در خون خود غلت میزند. مردم که از شدت خشم به حد انفجار رسیده بودند فردا شب را تعقیب میکنند و در مظان زهای او را گیر می آورند و قرار بر این میشود که اگر چنانچه نوجوان ۱۵ ساله جان سپرد، او را بی درنگ اعدام کنند. در این روز زنان بسیاری به محل دروازه سعدی آمده بودند و با شور و اشتیاق از مبارزان راه آزادی و استقلال پشتیبانی میکردند. همچنین تعدادی از سربازان و درجه داران نیروی هوایی در صف مردم دیده میشدند که فعلا نه درگیر مبارزه بودند.

روز جمعه ۲۰ خرداد تظاهرات بسیار موفق در اطراف پارک شهر بر راه افتاد که بدرستی نشان داد مردم مبارز آزادی خواه ما آماده مبارزه علیه مستبدین و وطن فروشان حزب جمهوری اسلامی هستند و اگر چنانچه یک تشکیلات رهبری کننده، چیسور، انقلابی و کاردان بوجود آید، خیلی زود تر از آنچه که بساط جبار پهلوی در هم پیچید، بساط اینان برچیده خواهد شد و انقلاب میهن از یک توطئه خطرناک امپریالیستی نجات خواهد یافت. حوالی ساعت ۶ بعد از ظهر جمعه، که نزدیک به ۲۰۰۰۰ نفر در این پارک به گردش مشغولند و اکثر مردم زحمتکشند، ابتدا عده ای از مبارزین با یک اقدام سریع دفتر پارک را اشغال کرده سعی میکنند با استفاده از بلندگوی بزرگ قوی پارک قطعنامه کوتاهی را در محکوم کردن کودتای حزب جمهوری و طرفداری از بنی صدر بخوانند و مردم را بدین وسیله دعوت به راهپیمایی و مقاومت کنند. متاسفانه بیخاطر درگیری و پاره شدن سیم بلندگو موفق به اینکار نمیشوند. یکی از مبارزین به میان جمعیت میرود و چند دقیقه برای آنها صحبت میکند و منظور خود را از تصرف دفتر پارک تشریح میکند که با استقبال شدید جوانان مواجه گردیده و با شعاری درود بر بنی صدر - بنی صدر مقاومست، مقاومت، حمایت خود را اعلام میدارند.

در همین زمان پلاکاردهای با مضمون "برای مقابله با کودتای مشترک حزب جمهوری و ابرقدرتها بها خیزید"، "بنی صدر مقاومست، مقاومت"، "حزب چماق بدستان با یدبره گورستان" و... به میان جمعیت برده میشود و اعلامیه اتحادیه کمونیستها بتاريخ ۱۷ خرداد که توطئه کودتای حزبی را افشاء کرده بود، در میان مردم پخش میشود. کم کم مردم جمع می شوند و با شعار "مردم به ما ملحق شوید، آزادی خون میخواهد" و "درود بر بنی صدر" مردم را به پیوستن به تظاهرات دعوت میکنند. در عرض مدت کوتاهی نزدیک به ۱۰۰۰ نفر به صف تظاهرات پیوستند و تظاهرات پس از مقداری راهپیمایی در پارک، از پارک خارج شده و بسوی مرکز شهر سرازیر میشود. جمعیت با شعارهای "مرگ بر بهشتی"، "بهشتی - رجائی عامل آمریکائی"، "حزب چماق بدستان با یدبره گورستان"، "امسال سال خونست، بهشتی سرنگونه"، "بعثتی تجا و زگراست، حزبی خیانتگراست"، "دشمن آزادی کیه بهشتیه، بهشتیه - فدین مدد کیه بهشتیه"، "بهشتیه - نوکرا آمریکا کیه، بهشتیه، بهشتیه - رئیس کودتا کیه" و... "ملت بها ستا مزوز، بساط حزب غاشن رو به فناست" امروز، "مردم بهوش باشید،

بقیه در صفحه ۴

# فساد در زمین

بیشربا نه ترا زادگاه - های تفتیش عقاید قرون وسطی در دنیا کنونی، و قیحا نه تر از هیتلر و کوره های آدم سوزی - اش، روسیاه ترا محمد رضا و پدرش در استبداد، آری شیعیتر از همه! اینها مدارسی میای جمهوری اینروزها اعلامیه ها و خطابه های دشمنان قسم خورده، جمهوریست که خود مجریان عدالت شرعشان میخوانند را در سرا سر کشور جا میزنند.

جناب حاکم شرع، آقای محمدی گیلانی، در دو روز متوالی هر توجیه جنایاتی که زیر لوای دین انجام میدهد سخن سرائی کرده است. سخنپردازی های او و دستیارش، لاجوردی، زاهر که شنیده است بیشک از نفرت و انزجار نسبت به حکومتی که اینان میخوانند بر ما تحمیل کنند سرشار شده است. آنها که بسه تاریخ جهان آشنائی دارند اینک میتوانند تجمیع کنند که

آی شمن و گوبلز در دستگاه هیتلر چگونه عمل میکردند! آقای حاکم شرع و دادستانش نمونه زنده آنها در جامعه ما هستند! و برای آنها که فرصت بررسی تاریخ فاشیسم را نداشته اند صحنه هنرنامه ای آقایان یادآور تمثیلهای عا شورا است که معمولاً در آن کسی که نقش شمر را بازی میکرد، میکوشید تا چهره کریه خلافت اموی را با آنهمه قساوتی که در کربلا مرتکب شدند برای بینندگان قابل لمس سازد. بلکه در این روزها آنچه آقای محمدی گیلانی میکند بی اختیار صحنه های رجز خوانی شمر را بیاد میآورد. شمیری که اینبار در برده برقراری حکومت عدل علی برای فریب

مردم به میدان آمده است. نونپالان ما را، جوانان بیگنا را و قهرمانانی را که جز عقیده و برای عقیده گناهی ندارند در خیا با آنها جانفرو میزنند و بگلوله میبندند و آنگاه که بدفاع بر میخیزیم ما را در زندانها به جرم "باغی" بودن بقتل میرسانند. و این "باغی" بودن از آن حکمهای تازه ای است که از این پس هر دم زباغ استبداد میوه های زهر آگین دیگری از آن نوع بر خلق ستمکشیده، ما تحمیل خواهد گشت.

میگوئیم حکمنازه، چرا که حتی موجب بگیران روز - نامه های حکومتی نیز بیخفا در روزهای اول "باغی" را "باغی" نوشتند و گمان کردند که مثل اسلافشان وظیفه توجیه اعدا ما انقلابیون زیر عنوان خرابکار و غیره را بر عهده گرفته اند ما نمیدانستیم که قضیه از آنهم وقیحا نه تر است. آری از آنهم وقیحا نه تر است.

آقای حاکم شرع در توجیه حکم میگوید که "باغی" به معنای کسی است که بر ما م خروج کند. و چنین کسی در مکتب خلافت یزیدی ایشان و اربابانشان خونس که مباح است هیچ، اگر گریخت با ید از پشت او را بزنند و اگر در خیا بان مجروح افتاده بود حق است که به سخن مریسج محمدی گیلانی سفاک او را "تمام کش" کنند و بالاخره اگر اسیر شده می هیچ حرمت عدالت کذائی شان میتوان وی را به قتل رساند. و این استبداد و دیکتاتوروی مطلقه ای است که آقایان در رویای ارتجاعی خود برای میهن ما آرزو کرده اند و اینک به تلاش مذبوحانسه برای پیاپی ده کردن آن در سطح جامعه دست بعمل زده اند. الحق

که محمد رضا و اسلاف او هم نمیی - توانستند توجیهی چنین "اسلامی" و ضدا میزبالیستی و انقلابی برای جنایت و قساوت بسازند. آقای خمینی! یا شما هستیم! دیگر نگوئید "مکتب من" و "دین من" بگوئید "من" آری "من". چرا که امروز جوانان ما را بخاطر خروج بر "من" شما در خیا با آنها "تمام کش" میکنند. دیگر نگوئید "مکتب من" بگوئید "من" چرا که مردم را به روایت آقای حاکم شرع بخاطر مخالفت با "من" شما بدون محاکمه به جوخه تیرباران میسپارند! بگوئید "من" و "شرم کنید که از" من" شما بتی ساخته اند که جنایات فرعون و نمرود و نرون و آتیلارا به نامشان انجام میدهند! و بدانید که ملت ایران هرگز از این جنایات را بر شما و بی فاشیستهای حزبی نخواهد بخشود و بدانید که این جنایات در چشم ملت ایسران توبه پذیر هم نیستند!

روزی چند نفر را میکشند عده ای را شکنجه میکنند و اتفاقاً پشتشان به انگلیس و آمریکا و روسیه هم گرم است که آنها را با چشمک هائی راضی کرده اند و عده سودان و سعو - دی و پاکستان به آنها داده اند اما کور خوانده اند. بیگنا بنیان کن اردوی ترقی نسه به این جنایتکاران ونسه به اربابان فعلی و آتی شان رحم نخواهد کرد.

ما نمیدانیم که گلها و سروهای ایستاده باغ انقلاب این ملت "باغی" بوده اند یا "باغی". شاید هر دوی اینها بوده باشند، اما میدانیم که آنها در قلب یکایک جوانان نسل انقلاب بخاطر زندگی شرافتمندانه و قهرمانانه و مرگ مظلومانها سربلندشان باقی آری جاودانه باقی خواهند بود. باقی خواهند بود تا روز قیامت خلق فرارند.



صدام تجا و زمیکند .... بقیه از صفحه آخر

.... از هم اکنون اتوبوسهای خود را جهت استفاده از روزهای آینده که مبارزات شدت خواهد گرفت برای راه بندان آماده نما - تیم، شعارهای ضد حزبی و ضدا میزبالیستی زیر را در اتوبوسها روی باجه های بلیط فروشی و بالاخره به صورت دست نویس در محلات پر رفت و آمد نصب نمائیم.

بسیا خیزیم که فراداد دیر است.

حزب چماق بدستان با یدیره گورستان

صدام تجا و زمیکند حزب خیانت میکند

چوب و چماق وژ - ۳ دیگر اشرنندارد

تا سرتگونی. حزب نهضت ادامه دارد.

عده ای از کارگران شرکت واحد

(رهروان حقیقت)

دوستان رهروان حقیقت!



انکای مالی ما را با شماست

خود را برای سالها در دست

# اعلامیه‌های دفتر ریاست جمهوری

بسم الله الرحمن الرحيم

مردم مسلمان و مبارزان ایران، ضمن عرض تبریک ولادت سعادت قائم آل محمد (ص) و توسل به حضرتش به اطلاع میرساند: طرح کودتای خرنده بر علیه رئیس جمهور منتخب و قانونی شما توسط حزب جمهوری اسلامی اکنون بمراحل نهائی رسیده است. این حزب بمانند همزاد دوران شاهنشاهی خود، حزب منحوس رستاخیز، تمامی مواضع قدرت و مناصب کلیدی را دربرسد و انحصار خویش در آورده است و نیروهای مومنی را که پیوسته از پیروزی انقلاب میسازد بکارتبانی و اعتلای میهن اسلامی مشغول می‌شدند، بناحق برضد این اهداف عالی و معنویست انسانیت و اسلام بکار گرفته است و در این روند است که ارزشهای والای انقلاب را بقدر خویش مبدل نموده است. انقلابیون مسلمان ایران که سالها بر علیه نظام سلطه‌گرو مستبد طاغوت در زندان و تبعید گذرانده‌اند، امروز تنها بگناهمکاری با رئیس جمهور منتخب شما در راه حفظ و حراست این انقلاب و دفاع از استقلال و آزادی ایران اسلامی به بند کشیده شده‌اند و بدین ترتیب اینان که سالها برای بشمر رساندن انقلاب اسلامی جانفشانی نموده - اندگرفتار نظام وحشت و ترور حزب جمهوری اسلامی گردیده‌اند. علاوه بر آقای مهندس محمدجعفری مدیر مسئول روزنامه انقلاب اسلامی اسامی افراد که بجرم و اتهامیاد شده در روزهای اخیر از دفتر ریاست جمهوری بزندان سیاسی رفته‌اند بدین شرح با اطلاع

مردم مسلمان میرسد:

- ۱ - علی رسولی (معاون اجرائی دفتر ریاست جمهوری)
- ۲ - رشید صدرالحفاظی (عضو دفتر ریاست جمهوری)
- ۳ - مجید بهیانی
- ۴ - جواد پورا براهیم
- ۵ - پرویز بهزاد پور
- ۶ - مصطفی اصفهانیان

تجمعات شبانه‌داستانی انقلاب به منازل اشخاص، هتک حرمت و سلب آرامش از خانواده‌ها، جستجو و تفحص، غارت فیش‌های مطالعاتی و اسناد شخصی و اعلام این مفسده‌جویی‌ها بعنوان فتح کبیر، دقیقاً خاطرات سالهای اختناق دوران ننگین پهلوی رازنده میکند. با اطلاع از دستگاه خشونت و شکنجه حاکم بر زندانها خانواده‌ها و دوستان این افراد با بی‌خبری از وضع آنها که متنوع الملاقات هستند در نگرانی شدید بسر می‌برند. خاطرنشان میگردد که چند نفر دیگر نیز تنها بجرم و اتهام قرابت و یاری دوستی با افراد مذکور دستگیر شده و در وضعیت مشابهی بسر می‌برند.

دفتر ریاست جمهوری اسلامی ایران

۲۸ / خرداد / ۶۰

بسم الله الرحمن الرحيم

مردم مسلمان و مبارزان ایران  
پارهای از مطبوعات و رادیوهای بیگانه‌ها این روزها خیرهای تحریک‌کننده‌ای دارن بر عزم ریاست جمهوری منتخب و قانونی شما، آقای سید ابوالحسن بنی‌صدر به مقصدی خارج از کشور پخش کرده‌اند و از این رهگذر نگرانی‌هایی در افکار عمومی مردم عزیز و مبارزان ایران ایجاد نموده‌اند. بدینوسیله ضمن تکذیب این شایعات به اطلاع ملت مسلمان میرساند که آقای رئیس جمهوری در میان شما هموطنان

عزیزان قامت‌دارند و همانطور که اعلام نموده‌اند برای جلوگیری از شایعه پراکنی و جو سازی ملاقا تهای خود را معدوم نموده‌اند. سانسور کامل دستگاه‌های تبلیغاتی کودتاگران و بیورش بدفتر رئیس جمهوری سبب شده اطلاعیه‌های مسئولین مطبوعاتی ایشان با اطلاع مردم رسانده نشود و موجب تشویش و نگرانی‌ها و شایعه‌سازی‌های مورد اشاره گردد.

دفتر ریاست جمهوری اسلامی ایران

۲۹ / خرداد / ۶۰

## اخبار ...

بقیه از صفحه ۵

این حزب آمریکائی در فکر کودتاست "، " تیمسار آمریکائی، چماق حزب الهی، نابود بیا بگردد " و ... خشم و کینه خود را نسبت به این دارودسته مستبد و وطن‌فروش و اعمال‌ننگینش ابراز داشت. جالب اینجاست که ما شینهای غایب با بوق و روشن و خاموش کردن چراغها از نظر هر کنگندگان پشتیبانی می‌کردند. تظاهرات پس از طی مسافتی نزدیک به دو کیلومتر در حوالی فلکه ستاد مورد حمله گسترده اوپاشان حزب الهی قرار گرفت و سپس از اندکی مقاومت پراکنده شد. این اوپاشان که حتی بفرشان هم نمی‌رسید در شلوغترین نقطه شهر در روز جمعه تظاهراتی برای افتدوا پنهم مدت ادامه می‌ابد، تا چند ساعت بعد در خیا با -

نهای اطراف به ضرب و شتم مردم پرداختند. در این درگیری نزدیک به ۳۰ نفر دستگیر شدند که همگی بشدت مضروب گشته بودند، این تعداد همگی از مردم آزادبخواه و معمولی بودند که با توجه به جوجا مع و روحیه انقلابیشان به تظاهرات پیوسته بودند و شجاعانه از آن دفاع می‌کردند. یکی از همین دستگیرشدگان میگفت که خود را هدرگیری با سداران با یک پاسدار دیگری بوده که به اعمال جنایتکارانه آنها اعتراض داشته و با صدای بلند بیهم پرخاش می‌کرده‌اند. پاسداران او را تهدید به محاکمه کرده بودند و او هم گفته بود " این کارها ضد اسلام است و از کارهای شاه هم فجیع‌تر است ". این تظاهرات در بابا لبردن روحیه مردم شیراز و طبریز بگرفته مسائل در میان آنها بسیار موثر بوده است.

بخشهایی از اعلامیه گروهی از کارگران کفش ملی

کارگری پانچیز

حزب شده رستاخیز

کرده اند و با متحدین خلف و دشمنان بیگانه پرست مردم، یعنی توده ایها و اکثریتی ها دست در دست هم مشغول شناسائی و لسو دادن کارگران مبارزمیباشند و خلاصه اینها همانها هستند که نه تنها رئیس جمهور بلکه آزادی و استقلال و انقلاب کارگران را یکجا میخواهند سر بپرند اما زهی خیال باطل .

کارگران قهرمان کفش ملی ، این حق کشی ها که در کارخانه بر ما روا میدارند در عرصه جامعه و کارخانجات دیگر این حزبک مردم قریب به همه تحمیل میکنند و برای رسیدن به خواسته های خودمان هیچ چاره ای نیست جز این که این حزب خیانت پیشه و پست را از میان برداریم . بر علیه این دارو دسته مستبد و خودکامه بیباخیزیم انقلاب در خطر است . ما که با بیش از ۷۰ هزار شهید و مدها هزار خمی بساط دیکتاتوری محمدرضا شاهی را ویران کردیم نگذاریم که دوباره بساط دیکتاتوری و وابستگی اینبار در برده دین به ما تحمیل شود . متحداً بیباخیزیم و با مخالفت و دادن شعارهای ضد حزبی و نظایر آنها و اعتمادات خویش طومار رنگین این شجره خبیثه را درهم کوبیم .

حزب چماق بدستان با یبدره گورستان  
مدا متجاوز میکند حزب جنایت میکند

(( عده ای از کارگران کفش ملی ))

رهروان حقیقت

..... کارگران قهرمان هیئت مدیره کفش ملی از ظایف همین دولت آقای رجائی و آقای نبوی "چرتکه نیا ننداز" هستند که به بیباکیهای مختلف سود ویژه ما را با لاکشیدند این هیئت مدیره از نسل بی رگ و بی وحرا مزاده آقای نبوی هستند که میگویند کارگران پرتقال نخورند و اگر حقوقشان را با لایبریم همین نان هم گیرشان نمیآید . این هیئت مدیره از ایل و تبار این حزب اجنبی پرست و خائن و دولت دست نشاندگان میباشند که بر سر جاسوسان آمریکائی با غرور و شرف و حیثیت این ملت بازی کرده و برای اثبات نوکری خود به با بر قدرت آنرا در دست بی آمریکا جنایتکار تقدیم نمودند . آقای قره گوزلو شما اینده همین مزدورانی است که برای سرکوب کارگران مبارز و هر آن کس که کوچکترین مخالفتی با خیانتها و جنایتهای این حزب بنما بیند در اس کارگزینی برصندلی چرخه زده است . اینها همانها هستند که برکناری رئیس جمهور آقای بنی صدر را از فرماندهی کل قوا جشن گرفتند تا با ردیگر با صدا مبرسر جنگ به سازش برسند و بدون شک با جنگ آنچنان خواهند کرد که با جاسوسان آمریکائی نمودند . آقای قره گوزلو از قماش و شجره خبیثه همین حزب حاکم است که امروزه در پی ما در نمودن حکم عدم کفایت سیاسی آقای بنی صدر از مجلس شورای اسلامی هستند و چه بسا که فردا او را به پای چوبه دار نیز بکشند ، اینها همانها هستند که برای خفه نمودن صدای حق طلبانه کارگران در هر کارخانه انجمن های اسلامی را در مقابل شورا های واقعی علم

بخشهایی از اعلامیه گروهی از کارگران شرکت واحد

صدام تجاوز میکند

حزب خیانت میکند

همکاران مبارز و کارگران آزادیخواه و استقلال طلب شرکت واحد!

توطئه ای که یکسال پیش توسط آیت و بهشتی طرح ریزی شده بود امروزه گام به گام به مرحله عمل گذارده شده و حزب قدره بیند جمهوری اسلامی و دولت دست نشاندگان با حرکت حساب شده ای برای برقراری بساط آریا مهری خود تلاش میکنند و این اعمال در حالی انجام میگردد که صدام خائن و متجاوز با همدستی با بر قدرتها و بخصوص آمریکا جنایتکار بخشهایی از خاک میهن ما را در اختیار خود دارد . با بر قدرتها و عمال داخلی ، سلطنت طلبان و ساواکیها از یکطرف و حزب چماق بدستان و ژندستان به سردمداری بهشتی و آیت و متحدان جاسوس و نوکران ابی قدرت شوروی توده ایها و اکثریتیها از طرف دیگر ، برای بریدن سر انقلاب تلاش میورزند . به همین سبب وطن فروشان آزادی کش حزب جمهوری برای پیاده کردن توطئه های خود بدور از چشم مردم روزنامه انقلاب اسلامی را تعطیل نمودند ، بنی صدر را از فرماندهی کل قوا برکنار نمودند ، حذف بنی صدر از فرماندهی کل قوا بمعنای برقراری بساط وطن فروشانه حزب جمهوری برجیبه های جنگ بود . بدون شک این وطن فروشان در پی سازش

با عراق و خیانت به انقلاب هستند و با جنگ آنچنان رفتن خواهند نمود که با جاسوسان آمریکائی انجام دادند . همکاران عزیز و مبارزان ، ما همواره در انقلاب کشورمان در هر دوره نقش مهمی را بازی کرده و همیشه در کنارت ملت قهرمان به عنوان مختلف صدای حق طلبانه خود را بر علیه وطن فروشان دیکتاتور بلند کرده و خواهم کرد . از این رو ضمن تحریم روزنامه های جمهوری اسلامی ، آزادگان ، کیهان ، اطلاعات در میان خودمان در میان مردم نیز آن را تبلیغ کنیم ، در اتوبوس ، در ایستگاهها و هر جمعی چه در محل کار و چه در محل زندگی نظایر آنها و شعار هائی به نفع دفاع از انقلاب و میهن و دفاع از رئیس جمهور بدهیم ، در اتوبوسها میمان اعلامیه هائی به طرفداری از انقلاب و بر ضد حزب جمهوری اسلامی بخش نماشیم و به نیروهای انقلابی جهت بخش اعلامیه هایشان در این امریاری رسانیم . برای رسانیدن مردم به محل نظایر آنها ضد حزبی و ضد آمریکائی آنها را بطور مجانی سوار کنیم ، عناصر حزبی و عوامل جاسوسان آنها را در همه جا شناسائی نماشیم و آنها را افشا کنیم ، در گروه های چند نفری کمیته های دفاع از انقلاب و استقلال و آزادی را تشکیل داده و اقدام به تبلیغات نماشیم . . . (بقیه در صفحه ۹)